

بیانیه نهضت آزادی ایران به مناسبت سالگرد شهادت دکتر شریعتی

یاد استاد شهید دکتر علی شریعتی را گرامی می‌داریم

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا و ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا و ان الله لهو خیر الرازقین

(حج/۵۸)

حرکت نوین اسلامی در جریان مبارزات ملت ایران که از شهریور ۱۳۲۰ آغاز شده بود، بعد از عبور از گذرگاه‌های مختلف و پشت سر گذاشتن جزر و مد‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها و گسترش همه جانبه در ابعاد عقیدتی، سیاسی و نظامی، سرانجام در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ به پیروزی سیاسی بزرگی در تاریخ این کشور کهنسال دست یافت.

انقلاب اسلامی ایران پیش از دستیابی به پیروزی سیاسی، در بعد ایدئولوژیک و تبیین اساسی‌ترین مقولات اسلامی و گسترش مبارزه ایدئولوژیک موفق گشت. اصولاً در جوامع بشری هیچ انقلابی به معنای واقعی کلمه بدون جهان‌بینی و ایدئولوژی رخ نخواهد داد. حرکت‌های اجتماعی وقتی محتوای انقلابی پیدا می‌کنند که بر اساس جهان‌بینی و ایدئولوژی منبعث از آن بوده و در جهت تحقق آرمان‌ها و نیازهای انسان‌های تشنه قسط و عدل و آزادی و شرافت و کرامت انسانی و رشد و شکوفایی استعدادهای خدادادی باشد.

در روند رو به رشد حرکت نوین اسلامی، از شهریور ۱۳۲۰ به بعد، افراد و شخصیت‌ها و گروه‌ها و قشرهای بسیاری شرکت داشته‌اند و برخی از آنان به حق تأثیرات تعیین‌کننده‌ای را ایجاد کرده‌اند. اما در این فرآیند استاد ارجمند شهید دکتر علی شریعتی یکی از پر فروغ‌ترین چهره‌ها در طرح و تبیین جهان‌بینی اسلامی و عاملی مؤثر در به صحنه کشیدن نسل جوان در انقلاب اسلامی شمرده می‌شود.

شریعتی که خود محصول و دست‌پرورده و تربیت شده حرکت نوین اسلامی بود و بهتر و عمیق‌تر از هر کس دردها و نیازها و حساسیت‌های نسل جوان معاصر را، در ایران و در دنیای اسلام درک می‌کرد آنچنان این دردها و نیازها را منعکس ساخت و آنچنان با جسارت و شهامت و واقع‌بینی و در عین حال با صداقت اسلامی به پاسخگویی این نیازها پرداخت که به بزرگترین پیروزی‌ها در زمینه تبیین مبانی اسلام اصیل و گسترش و تعمیق آن در نسل جوان موفق گردید. در تاریخ ملت ما، و شاید در دنیای اسلام، هیچ متفکری به اندازه مرحوم دکتر شریعتی نتوانسته است اندیشه و روند فکری نسل تحصیل‌کرده جوان دوران را مسخر کرده و در جهت انقلابی اسلامی به پیش برد. وسعت تأثیرات فکر و اندیشه شریعتی در تاریخ ملت ما بی‌سابقه است.

شهید دکتر علی شریعتی تنها یک «متفکر» اسلامی نبود. او یک مسلمان پرتلاش و متعهد بود. و هرگز در تمامی دوران عمر کوتاه ولی پربار خود، چه در داخل و چه در خارج کشور لحظه‌ای از مبارزه علیه مثلث زر و زور و تزویر غفلت ننمود.

شریعتی در هیچیک از ادوار زندگی، در کنار پدر و معلم بزرگوارش استاد محمد تقی شریعتی در منزل و کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد، در دوران تحصیل در دانشگاه مشهد و در نهضت مقاومت ملی (که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ تشکیل شده بود) و در دوران سفر و تحصیل در فرانسه بعد از بازگشت به ایران در تهران و شهرستان‌ها، در حسینیه ارشاد و سایر مراکز، هرگز کمترین فرصتی را برای معرفی اسلام ناب و اصیل و مبارزه با استبداد در اشکال گوناگونش از دست نداد.

او تنها یک متفکر قلم‌زن نبود. یک عارف برخاسته از «کویر» و یک تلاش‌گر عاصی ره یافته خستگی‌ناپذیر بود و در این راه هرگز دچار تذبذب نشد. او هیچگاه یاران اولیه خود را رها نکرد. او از اعضای اصلی نهضت مقاومت ملی - استان خراسان بود و به همین جرم هم به زندان رفت. او در خارج از کشور از مؤسسين نهضت آزادی ایران - خارج کشور بود و در تدارک اولیه برای نبرد مسلحانه علیه استبداد پهلوی شرکت داشت.

او اسلام را نجات‌بخش تنها ایران نمی‌دانست بلکه اسلام را برای نجات تمامی بشریت می‌خواست. او تمامی مسلمانان را برادران خود می‌دانست و این اعتقاد تنها در تئوری و حرف نبود. او نظیر هر مسلمان متعهد دیگری، به هر حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری و هر حرکت انقلابی توده‌های محروم و مستضعف جهان بخصوص در دنیای اسلام احساس تعلق و وظیفه می‌کرد. به همین دلیل بود که نزدیک‌ترین و صمیمانه‌ترین روابط را با جبهه آزادی‌بخش الجزایر، که در جنگ مسلحانه فعال علیه اشغالگران الجزایری بود بوجود آورد. توسط چماق به دستان و او باش الجزایری مزدور پلیس فرانسه علیه جان او توطئه شده و سخت مضروب گشت خوشبختانه بعد از مدتی بستری شدن در بیمارستان، از مرگ نجات پیدا کرد.

دکتر شریعتی علاوه بر شرکت در تأسیس نهضت آزادی خارج کشور در تمامی مبارزات و فعالیت‌های ایرانیان خارج کشور علیه استبداد پهلوی سهم عمده‌ای داشت. در شکل‌گیری جنبش دانشجویی خارج کشور (سازمان‌های دانشجویان و کنفدراسیون در مراحل اول) و جبهه ملی اروپا نقش تعیین‌کننده داشت. نشریه ایران آزاد، که در آن سالها در خارج از کشور منتشر می‌شد، یکی از پرتیراژترین و غنی‌ترین روزنامه‌های ضد رژیم بود. شهید شریعتی از آغاز انتشار این نشریه تا تیر ماه ۱۳۴۴ که به ایران آمد مسئول انتشار آن بود.

کار خلاق شریعتی در بعد مبارزات عقیدتی و در رابطه با کل حرکت نوین اسلامی از سالهای ۱۳۴۷ به بعد بود که در سنگر حسینیه ارشاد و در یکی از پربارترین دوران فعالیت‌های او به ثمر رسید و به همین دلیل هم در این دوران شریعتی مورد زشت‌ترین و گسترده‌ترین حملات از راست و چپ قرار گرفت. ارتجاع دینی وابسته به شاه خائن و آخوندهای درباری و متولیان معبد ریا و «متحدین زر و زور» کمتر انحراف و اتهامی بود که به او نسبت ندهند. به موازات این حملات گروه‌های چپ نیز که از رشد حرکت نوین اسلامی و اقبال جوانان به اسلام وحشت‌زده شده بودند، کار جناح راست را تکمیل کرده و هر دو با هم شهید شاهد ما را از هر طرف به زیر حملات خود گرفتند.

این حملات هرگز نتوانست در روحیه شریعتی اثر بگذارد و یا کار او را متوقف سازد. اما حملات گروه وابسته به دین، اعم از دشمنان دانا و یا دوستان نادان، شریعتی را فوق‌العاده متأثر ساخت همان‌ها که به قول خودش:

«آنها که باید مرا بنوازند، می‌زنند، آنها که باید همگام باشند سد راهم می‌شوند، آنها که باید حقیقت‌سناسی کنند، حقیقتی می‌کنند، آنها که باید دستم را بفشارند، سیلی می‌زنند، آنها که باید در برابر دشمن دفاع کنند، پیش از دشمن حمله می‌کنند، و آنها که باید در برابر سمپاشی بیگانه ستایشم کنند، تقویت‌کنند، امیدوارم کنند، تا در راه تو از تنها پایگاهی که چشم یاری‌ی دارم و پاداشی، نومید شوم ...».

این حملات نتوانست تأثیرات عظیم و گسترده کار خلاق شریعتی را متوقف سازد و آخرالامر ساواک رسماً وارد عمل شد، و بعد از تعطیل حسینیه ارشاد دکتر شریعتی را به زندان و شکنجه‌گاه «کمیته مشترک» معروف انداختند. اما همانطور که علی خود بارها گفته بود «حسرت یک آخ گفتن» را هم به دل همه آنها گذاشت.

بعد از رهایی از زندان کمیته، علی، دست به یک هجرت جدید زد و در اردیبهشت ۵۶ از ایران خارج شد. علی در یادداشتی که در ۲۴ اردیبهشت ۵۶، یعنی دو روز قبل از خروجش از ایران نوشت هجرت جدید خود را چنین ترسیم کرده است:

«و من در آستانه مرحله تازه‌ای که آغاز کرده‌ام و می‌روم تا «مهاجر الی الله» سرنوشت دیگری را در ادامه سرگذشت خویش دنبال کنم و جز لطف خدا که اعجازگر و دشمن‌فریب بزرگ است و جز همت یاران هم‌درد و همراه زادراهی ندارم و امید پناهی ...»

هجرت علی ضربه بزرگ و غیرقابل‌تحملی به حیثیت ساواک و رژیم شاه، و خطری جدید و جدی برای آن بود. لذا در ۲۹ خرداد ۵۶، استاد بزرگوار و یار و هم‌رزم ما برای سال‌های فراوان از غربت هجرت را شهید نمودند به تصور این که شهادتش، حرکت اسلامی را متوقف و یا بطئی سازد، که چنین نشد، و این اشتباه همه مستبدین تاریخ است.

مهندس بازرگان، در نامه‌ای به مناسبت شهادت شریعتی در ۶ تیر ماه ۵۶ به استاد محمد تقی شریعتی، کار عظیم علی و شهادتش را چنین توصیف کرده است:

«علی که با ادراک و آثارش سال به سال روشن‌تر و صاف‌تر می‌شد و جامعه را روشن‌تر می‌ساخت شاخسار پر ثمری از آن پدر، پسر فضل و اخلاص بود که در بنبوحه احتیاج و استقبال از سنگینی بار شکسته شد و با افتادن او امیدها و آرزوها به زمین ریخت.»

نهضت آزادی ایران یاد برادر بزرگوار و هم‌رزم گرامی شهید دکتر علی شریعتی را گرامی می‌دارد و پنجمین سال هجرت و شهادت او را به ملت قهرمان و شهیدپرور ایران و به همه هم‌زمان و هم‌سنگران و همچنین به پدر بزرگوارش استاد شریعتی تبریک می‌گوید.

نهضت آزادی ایران

۶۱/۳/۲۹